

تحلیل الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تأکید بر سبک زندگی مدرن (مورد مطالعه: شهر ابدان)

سید عیسی حسینی^۱، امرالله راشد زاده^۲

^۱ دانش آموخته ی مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. ایران.

^۲ استادیار و هیات علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. ایران.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تأکید بر سبک زندگی مدرن در شهر ابدان است. این مطالعه از نوع تحقیقات کاربردی و توصیفی - همبستگی است و دیدگاهی مقطعی دارد. جامعه آماری شامل افراد بالای ۲۰ سال شهر ابدان با جمعیتی حدود ۵۰۰۰ نفر و نمونه آماری ۳۵۷ نفر بر اساس جدول مورگان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد الگوهای فرهنگ شهرنشینی با ۴۰ سوال و ۱۰ بعد بود که پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۲ تأیید شده است. یافته‌ها نشان دادند که بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی و سبک زندگی مدرن رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($r=0.513$, $p=0.03$). همچنین بین مولفه‌های فردگرایی، تنوع فرهنگی، مصرف‌گرایی، تغییر در الگوهای خانواده شهری، و گسترش فناوری‌های ارتباطات با سبک زندگی مدرن روابط معناداری مشاهده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی و سبک زندگی مدرن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این الگوها تا ۲۶ درصد و تغییر در الگوهای خانواده شهری تا ۴۱ درصد تغییرات سبک زندگی مدرن را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که الگوهای فرهنگ شهرنشینی تا ۲۶ درصد و تغییر در الگوهای خانواده شهری تا ۴۱ درصد تغییرات سبک زندگی مدرن را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، هدف مطالعاتی تحقق شناخت دقیق‌تر و کاربردی‌تر الگوهای فرهنگ شهرنشینی در تغییر سبک زندگی مدرن است.

واژه‌های کلیدی: الگوهای فرهنگ شهرنشینی، سبک زندگی، مدرنیته، فردگرایی، شهرآبدان.

مقدمه

با وقوع انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ میلادی، جهان وارد یکی از پرشتاب‌ترین دوران تغییر و تحول شد. فرایند شهرنشینی و رشد شهری در مقیاسی وسیع، همه کشورهای دنیا را تحت تاثیر قرار داد. جمعیت شهری جهان از ۱۳ درصد در سال ۱۹۰۰ به بیش از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت؛ پیش‌بینی‌های اخیر نشان می‌دهند که در سال ۲۰۳۰ حدود ۶۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲).

فرایند شهرنشینی در مناطق مختلف جهان برآیند کنش پیچیده فاکتورهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، جغرافیایی و فرهنگی جهانی و محلی است. این فرایند در مراحل مختلف خود در طول زمان و بنابر مقضیات محلی، در حال تولید الگوهای مختلف شهری در مناطق گوناگون دنیا می‌باشد. در مقابل الگوی مرکزگریز تغییر جمعیت شهری در جوامع پیشرفته، فرایندهای مرکزگرایی شهرنشینی و رشد شهری به تسلط بر پویای جمعیت شهری در جهان در حال توسعه ادامه می‌دهند. این تمرکز فزاینده در اغلب موارد خود را در غالب الگوی نخست شهری نمایان می‌سازد؛ الگوی نخست شهری با شهرهای بزرگ و نامتوازن خود، مشکلات عمده‌ای را در کیفیت زندگی، سلامت، سبک‌های زندگی مدرن امروزی، مجموعه‌ای از رفتارها، انتخاب‌ها و نگرش‌ها هستند که افراد در زندگی روزمره خود اتخاذ می‌کنند و با تغییرات سریع در فناوری، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع مرتبط هستند. این سبک‌ها بسیار متنوع و پویا بوده و بسته به عوامل مختلفی مانند موقعیت جغرافیایی، سطح درآمد، تحصیلات و ارزش‌های فردی و اجتماعی، می‌توانند متفاوت باشند. (حبیبی، ۱۳۸۴)

شهرنشینی به عنوان یک پدیده پیچیده و چندوجهی، تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها، از جمله سبک زندگی، داشته است. با گسترش شهرها و تغییر الگوهای زندگی، سبک زندگی مدرن نیز تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته است (حاجی پور، ۱۴۰۰). الگوهای فرهنگ شهرنشینی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم و الگوهای رفتاری است که در محیط‌های شهری شکل می‌گیرد. این فرهنگ، به دلیل تراکم جمعیت، تنوع فرهنگی و دسترسی بیشتر به امکانات و خدمات، با فرهنگ روستایی و عشایری تفاوت‌های چشمگیری دارد. اگرچه شهرنشینی پدیده‌ای جهانی است، اما این پدیده به طور چشمگیری در ایران پویاست، بطوریکه رشد شهری بی‌سابقه‌ای در پنج دهه اخیر در ایران روی داده است. طی ۶۵ سال گذشته، نسبت شهرنشینی در ایران، از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵، به بیش از ۸۰ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است. به موازات رشد شتابان میزان شهرنشینی، تعداد شهرها نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۳۹ شهر در سال ۱۴۰۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). در واقع، شهرنشینی در ایران طی چند دهه اخیر، همانند دیگر کشورهای در حال توسعه رو به افزایش بوده و مرکز ثقل جمعیت کشور به طور کنترل‌ناپذیری از روستاها به شهرها انتقال یافته است. علی‌رغم رشد شتابان میزان شهرنشینی و تعداد شهرها در ۵۵ سال گذشته، نرخ رشد شهرها همواره یکسان نبوده و تفاوت در نرخ رشد شهرها، نظام شهری ایران را دچار تغییرات اساسی کرده است. برخی شهرها تحت تاثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و محیطی توانسته‌اند، جایگاه خود را در نظام شهری ایران ارتقا دهند؛ در حالیکه برخی دیگر از شهرها، جایگاه خود را در سلسله مراتب شهری ایران از دست داده‌اند. فرهنگ شهرنشینی با الگوهای خاص خود، تأثیرات عمیقی بر سبک زندگی مدرن داشته است. این تأثیرات می‌توانند مثبت یا منفی باشند. برای بهره‌برداری از مزایای شهرنشینی و کاهش اثرات منفی آن، لازم است که به طور آگاهانه با این پدیده روبرو شویم و سبک زندگی خود را با توجه به شرایط جدید تطبیق دهیم. سوال اصلی پژوهش این است که، الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تاکید بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان کدامند؟

پژوهش در زمینه تحلیل الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تأکید بر سبک زندگی مدرن به دلایل متعددی اهمیت دارد. نخست آنکه شهرها به عنوان کانون اصلی رخدادهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش محوری در توسعه پایدار جوامع ایفا می‌کنند. توسعه سریع شهرنشینی در ایران به ویژه شهرهای متوسط و کوچک مانند آبدان، تحولات گسترده‌ای در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان ایجاد کرده است که نیازمند فهم دقیق و جامع است تا بتوان برنامه‌ریزی‌های شهری را کارآمدتر کرد و کیفیت زندگی شهری را ارتقا داد. در واقع، شناخت تغییرات در الگوهای زندگی و فرهنگ شهرنشینی به مدیران شهری، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران امکان می‌دهد تا راهکارهایی مبتنی بر واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی برای مواجهه با چالش‌های مدرنیته ارائه نمایند. (بذرگر، ۱۳۹۹) از سوی دیگر، رشد شهرنشینی باعث ایجاد تفاوت‌هایی در سبک زندگی افراد نسبت به جوامع روستایی و حتی شهرهای سنتی می‌شود. این تفاوت‌ها تنها به جنبه‌های مادی زندگی محدود نمی‌شود، بلکه ارزش‌ها، باورها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌ویژه در شرایطی که شهروندان نوظهور هنوز به درک کامل از حقوق و تکالیف شهروندی نرسیده‌اند، پژوهش درباره فرهنگ شهرنشینی می‌تواند به ارتقای فرهنگ شهروندی کمک کرده و زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی و سلامت روانی جامعه باشد. (افروغ، ۱۳۹۷)

در نهایت، اهمیت این پژوهش در این است که کیفیت زندگی فرهنگی و اجتماعی شهروندان را به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه پایدار شهری مورد بررسی قرار می‌دهد. دستیابی به شهری مطلوب، زیبا، متعادل و با کیفیت به ویژه در شهرهای ایرانی، مستلزم شناخت عمیق از فرهنگ، سبک زندگی و ارزش‌های ساکنان آن است. پژوهش حاضر می‌تواند کمک کند تا زمینه‌های فرهنگی به عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه شهری مورد توجه قرار گیرد و فرصتی برای ترسیم سیاست‌های فرهنگی متناسب با نیازهای جامعه محلی فراهم شود. این دلایل اهمیت انجام پژوهش در زمینه تحلیل الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تأکید بر سبک زندگی مدرن را نشان می‌دهد و ضرورت توجه علمی و عملی به این موضوع را روشن می‌سازد.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- بین فردگرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.
- بین تنوع فرهنگی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.
- بین مصرف‌گرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.
- بین تغییر در الگوهای خانواده شهری بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.
- بین گسترش فناوری‌های ارتباطات بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

مفهوم فردگرایی

فردگرایی به معنای تأکید بر اهمیت و ارزش فرد به عنوان واحد اصلی اجتماعی است که استقلال، خودمختاری و تحقق اهداف شخصی را مقدم بر وابستگی‌های گروهی می‌داند. در جوامع فردگرا، افراد بر اساس باورها، نیازها و اهداف شخصی خود عمل می‌کنند و ارتباطات اجتماعی داوطلبانه و با حداقل وابستگی گروهی شکل می‌گیرد. این نگرش باعث رشد خلاقیت و نوآوری

فردی می‌شود هرچند ممکن است به کاهش همبستگی اجتماعی و احساس انزوا نیز بینجامد. فردگرایی، برخلاف جمع‌گرایی، استقلال فکری و رفتاری افراد را مورد تاکید قرار می‌دهد و در شهرنشینی مدرن اهمیت ویژه‌ای دارد. (زراتسکی، ۱۳۹۸)

مفهوم تنوع فرهنگی

تنوع فرهنگی به معنای وجود و تعامل هم‌زمان چند فرهنگ متفاوت در یک جامعه یا فضای جغرافیایی است که باعث ایجاد مجموعه‌ای گسترده از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای متنوع می‌شود. این تنوع فرصت رشد و توسعه الگوهای نوین زندگی را فراهم کرده و از یکسان‌سازی فرهنگی جلوگیری می‌کند. شهرهای فرهنگی متنوع معمولاً محیطی برای خلاقیت، پذیرش تفاوت‌ها و تعدد شیوه‌های زیست اجتماعی هستند، ولی در عین حال مدیریت تعارض‌های فرهنگی پیچیده‌ای را نیز طلب می‌کنند. (گیدنز، ۱۳۸۳)

مفهوم مصرف‌گرایی

مصرف‌گرایی به عنوان یک الگوی رفتاری در سبک زندگی مدرن شناخته می‌شود که بر افزایش مصرف کالاها و خدمات مادی با هدف پاسخگویی به نیازها و به ویژه ابراز هویت فردی و موقعیت اجتماعی تاکید دارد. این رفتار بازتابی از تحولات اقتصادی و فرهنگی است که ارزش‌های مصرف و خرید بیش از سایر جنبه‌ها برجسته می‌شود. مصرف‌گرایی می‌تواند به رونق اقتصادی کمک کند اما همراه با چالش‌هایی نظیر فشارهای مالی، تضادهای اجتماعی و نگرانی‌های محیط زیستی است. (ممتاز، ۱۳۸۵).

مفهوم تغییر در الگوهای خانواده شهری

این متغیر به تحولاتی اطلاق می‌شود که در ساختار، نقش‌ها و رفتارهای خانواده در محیط شهری رخ می‌دهد؛ از جمله کاهش اندازه خانواده، رشد خانواده‌های تک‌سرپرست، تغییر در نقش‌های جنسیتی و الگوهای ارتباطی. این تغییرات بازتاب تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و تأثیر زیادی بر سبک زندگی فردی و جمعی دارد. تحول در خانواده باعث افزایش استقلال فردی و تغییر در الگوهای مراقبتی و گذران اوقات فراغت می‌شود. (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲).

مفهوم گسترش فناوری‌های ارتباطات

گسترش فناوری‌های ارتباطات شامل افزایش دسترسی و استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی مانند اینترنت، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی است که نحوه تعاملات اجتماعی، دریافت و انتقال اطلاعات و فعالیت‌های روزمره را دگرگون کرده است. این فناوری‌ها مرزهای مکانی و زمانی را کاهش داده و سبک زندگی را به سمت انعطاف‌پذیری، ارتباطات گسترده‌تر و دسترسی آسان‌تر به منابع اطلاعاتی سوق می‌دهند. این پدیده ضمن ایجاد فرصت‌های آموزشی و مشارکت اجتماعی، چالش‌هایی مانند اعتیاد به فناوری و کاهش کیفیت روابط حضوری را نیز به همراه دارد. (شیخاوندی، ۱۳۸۶).

مفهوم فرهنگ شهرنشینی

فرهنگ شهرنشینی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، هنجارها، قوانین، آداب و رفتارهایی است که نحوه زندگی، تعاملات اجتماعی و روابط انسان‌ها را در محیط شهری شکل می‌دهد. این فرهنگ ضامن نظم و قانون‌مندی در شهرها است و شامل رفتارهای مشترک و اصولی است که شهروندان برای زندگی جمعی به آن پایبندند. فرهنگ شهرنشینی پیوند میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، مسئولیت‌ها و تعهدات شهروندی برقرار می‌کند و برای توسعه پایدار، سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی در شهرها نقش مهمی دارد. (زیاری، ۱۳۹۸)

مفهوم سبک زندگی مدرن

سبک زندگی مدرن به ساختار و شیوه‌ای از زندگی اشاره دارد که در جوامع مدرن شکل می‌گیرد، ویژگی‌های آن شامل فردگرایی نسبی، استفاده گسترده از فناوری و امکانات رفاهی، مصرف‌گرایی، تنوع انتخاب‌ها و تعاملات اجتماعی نوین است. این سبک زندگی بر انتخاب‌های آزاد، بهره‌مندی از تکنولوژی، و الگوهای جدید فرهنگی و رفتاری مبتنی است که در محیط‌های شهری و مدرن نمود دارد. (رهنما، ۱۳۹۸)

مفهوم فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی به مجموعه قوانین، ارزش‌ها و نگرش‌هایی گفته می‌شود که رفتارهای شهروندان را در زندگی شهری تنظیم می‌کند و موجب احساس تعلق، احترام به حقوق دیگران و رعایت مسئولیت‌های اجتماعی می‌گردد. این فرهنگ موجب ایجاد جامعه‌ای آزاد، منصف و با انسجام می‌شود که در آن حقوق و تعهدات شهروندی در قالب هنجارهای فرهنگی به افراد آموزش داده می‌شود. (ربانی، ۱۳۸۴)

مولفه‌های الگوهای فرهنگ شهرنشینی

فرهنگ و هویت شهری

فرهنگ شهری مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، آداب، رسوم و سبک‌های زندگی است که توسط شهروندان در یک فضای شهری شکل می‌گیرد و هویت خاص آن شهر را می‌سازد. این هویت بازتاب تاریخ، معماری، زبان، هنر و تعاملات اجتماعی شهروندان است که باعث تمایز شهر از سایر مناطق می‌شود. هویت شهری علاوه بر گذشته تاریخی، در برخورد با تحولات اجتماعی و اقتصادی روزمره بازتولید و بازتعریف می‌شود. حفظ و تقویت هویت شهری به جامعه احساس تعلق و غرور می‌دهد و نقش مهمی در توسعه پایدار و جذب سرمایه‌گذاران و گردشگران ایفا می‌کند. (احمدی و شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۴).

مشارکت اجتماعی و فرهنگی

مشارکت اجتماعی شامل شرکت فعال افراد در فعالیت‌های گروهی، فرهنگی و اجتماعی در محیط شهری است. این بعد از فرهنگ شهرنشینی باعث افزایش انسجام اجتماعی، توسعه سرمایه اجتماعی و بازتولید فرهنگ جمعی می‌شود. مشارکت فرهنگی بر توانمندسازی شهروندان برای تأثیرگذاری بر روندهای شهری و حفظ میراث فرهنگی تأکید دارد. سطوح مشارکت می‌تواند از دوستی در محله تا نقش در سازمان‌های مردم‌نهاد و برنامه‌های فرهنگی متفاوت باشد. (اسعدی، ۱۳۹۲)

تنوع فرهنگی و جمعیتی

این مولفه به حضور و تعامل گروه‌های متنوع قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی در شهر اشاره دارد. تنوع جمعیتی باعث غنای فرهنگی، تبادل دانش، نوآوری‌های اجتماعی و خلق هویت‌های چندفرهنگی می‌شود. در عین حال، تنوع فرهنگی با چالش‌هایی همچون تعارضات فرهنگی، نابرابری‌های اجتماعی و فشار بر منابع شهری همراه است که مدیریت آن نیازمند سیاست‌های حمایتی و تسهیل‌گر است. این ویژگی به ویژه در کلان‌شهرها و شهرهای چندقومی شاخص است. (اشکوری، ۱۴۰۳)

کیفیت فضای شهری و امکانات فرهنگی

کیفیت فضای شهری شامل طراحی کالبدی، وجود فضاهای سبز، پارک‌ها، مراکز فرهنگی، فضاهای عمومی و دسترسی به خدمات است. فضای شهری با کیفیت باعث افزایش رضایت و رفاه شهروندان، ارتقای سرزندگی شهری و تقویت هویت و فرهنگ شهروندی می‌شود. امکانات فرهنگی مانند کتابخانه‌ها، سالن‌های نمایش و مراکز آموزشی، تعامل فرهنگی و ارتقای سبک زندگی مدرن را تسهیل می‌کند. طراحی شهری مناسب باید دسترسی آسان، ایمنی و زیبایی را فراهم کند. (افروغ، ۱۳۹۷)

ساختارهای نهادی و مدیریت شهری

این بعد به نقش نهادهای رسمی و غیررسمی، سیاست‌گذاران و مدیریت شهری در شکل‌دادن به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شهر اشاره دارد. مؤسسات بوروکراتیک، قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در تقویت نظم اجتماعی و فرهنگ شهرنشینی موثرند. مدیریت مشارکتی و توجه به نیازهای متنوع شهروندان موجب ارتقای کارایی و عدالت شهری خواهد شد. این ساختارها زمینه‌ساز تحقق سبک زندگی مدرن و پایداری فرهنگی هستند. (اوکلی، مارسدن و همکاران، ۱۳۷۰)

سبک زندگی مدرن

سبک زندگی مدرن تلفیقی از ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، مصرف فرهنگی، تعاملات اجتماعی و فناوری‌های نوین است که در محیط شهری شکل می‌گیرد. این سبک زندگی با فردگرایی، تنوع انتخاب‌ها، وابستگی به رسانه‌ها و فناوری ارتباطی و تغییر در الگوهای مصرف و زمان‌بندی زندگی همراه است. سبک زندگی مدرن بازتاب دنیای پیچیده و متغیر است که فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را به مردم ارائه می‌دهد. (افروغ، ۱۳۹۷)

امنیت و ایمنی اجتماعی

احساس امنیت و وجود سازوکارهای تأمین نظم اجتماعی، نقش کلیدی در رشد فرهنگ شهرنشینی دارند. ایمنی اجتماعی شامل امنیت فیزیکی، روانی و اقتصادی شهروندان می‌شود و بر مشارکت و رضایت مردم تأثیر می‌گذارد. سیاست‌های پیشگیرانه، وجود نیروی انتظامی، خدمات اورژانسی و مشارکت شهروندان بخشی از امنیت شهر را شکل می‌دهند. عدم امنیت عامل کاهش کیفیت زندگی و افزایش آسیب‌های اجتماعی است. (احمدی، شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۴)

نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی شهری (بستر تحول)

نظریه ماکس وبر در جامعه‌شناسی شهری

ماکس وبر به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی تاریخی و شهری، شهر را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی پیچیده تحلیل می‌کند که با ویژگی‌های منحصر به فرد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تعریف می‌شود. او شهر را فراتر از یک مکان جغرافیایی می‌بیند و آن را مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، ساختارهای بوروکراتیک، و نظام حقوقی می‌داند که به معنای واقعی کلمه محل تجمع عقلانیت مدرن است. وبر معتقد است که عقلانیت به شکل نظم حقوقی، ساختار اداری، و سیستم‌های سازمان‌یافته در شهرها باعث شکل‌گیری زندگی مدرن شده است و شهر به عنوان بستر اصلی ظهور این نظام‌ها عمل می‌کند. (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳)

وبر تأکید ویژه‌ای بر قشربندی اجتماعی دارد و ساختار اجتماعی جامعه شهری را به سه مولفه مهم تقسیم می‌کند: طبقه اجتماعی بر مبنای موقعیت اقتصادی و مالکیت، وضعیت یا پایگاه اجتماعی که به حرمت و اعتبار اجتماعی اشاره دارد و حزب یا ساختار سیاسی که نمایانگر روابط قدرت است. این قشربندی ترکیبی از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که جایگاه افراد و گروه‌ها را در شهر مشخص می‌کند و آنان را در قالب طبقات، اقشار، گروه‌ها و احزاب سیاسی دسته‌بندی می‌کند.

نظریه کارل مارکس درباره جامعه شهری

کارل مارکس از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان مکتب تضاد است که شهر را به مثابه صحنه‌ای از مبارزه طبقاتی و انباشت سرمایه تحلیل کرد. برای مارکس، هر فعالیت اقتصادی و اجتماعی که در شهر می‌بینیم، ریشه در ساختار پایه‌ای اقتصاد دارد که به دو طبقه اصلی تقسیم شده است: بورژوازی، یعنی کسانی که مالک منابع تولید و سرمایه هستند و پرولتاریا، کسانی که نیروی کار خود را می‌فروشند و بر اساس آن زندگی می‌کنند. شهرهای بزرگ صنعتی عرصه‌ای برای بروز آشکار تضادهای طبقاتی شده و همزمان زمینه‌ای برای انباشت سرمایه و توسعه سرمایه‌داری نوین محسوب می‌شوند.

مارکس معتقد بود که شهر سرمایه‌داری نه تنها مکانی برای تولید کالا، خدمات و سود است بلکه عرصه منازعات، استثمار و بی‌عدالتی نیز می‌باشد. شهر محل تجمع سرمایه و نیروی کار است که باعث می‌شود نابرابری اقتصادی و اجتماعی شدیدتر شود. همین نابرابری‌ها موجب می‌شود بخش بزرگی از جمعیت شهر در فقر، بی‌خانمانی و ناخوشایندی زندگی کنند. این نقاط ضعف نظام سرمایه‌داری در شهر به بروز تشویش‌ها و اعتراضات اجتماعی دامن می‌زند و زمینه‌ساز بیداری و تشکل طبقاتی پرولتاریا می‌شود.

از نظر مارکس، شهرهای سرمایه‌داری عامل مهمی در انتقال انسان از جوامع سنتی و سکونتگاه‌های کوچک‌تر به جوامع صنعتی بزرگ هستند که فرصت‌های نسبتاً بیشتری برای آزادی فردی و تغییر اجتماعی فراهم می‌کنند. اما همزمان این فضاها می‌توانند عامل انزوای اجتماعی و بیگانگی فرد از خویش و جامعه باشند؛ چرا که فرد به صورت کالایی و تابع منافع سرمایه‌داری تقلیل می‌یابد. مارکس شهرها را عرصه تضادهای تنگاتنگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌داند که نهایتاً به پویایی‌های انقلابی منجر خواهند شد. (شفرز، ۱۳۸۴)

نظریه فردیناند تونیس

تونیس جامعه را به دو نوع بنیادین تقسیم می‌کند: نوع نخست که آن را «گماین‌شافت» می‌نامد، روابط اجتماعی را در قالب روابط طبیعی، مستقیم و سنتی توصیف می‌کند که در روستاها و اجتماعات کوچک همچنان وجود دارد. این جامعه بر اساس روابط خویشاوندی، تعهدات اخلاقی و وابستگی‌های دیرینه استوار است. افراد در این نوع جامعه، به صورت طبیعی و غالباً غیرمنتخب با یکدیگر ارتباط دارند و اعتماد و پیوندهای عاطفی در محور روابط قرار می‌گیرد.

در مقابل، «گزل‌شافت» جامعه‌ای است قراردادی، عقلانی و غیرشخصی که شهرها را توصیف می‌کند. روابط در این جامعه بیشتر مبتنی بر منافع فردی، قراردادهای قانونی و اهداف اقتصادی هستند. در گزل‌شافت افراد بر اساس منافع و نیازهای خود عمل می‌کنند، روابط عاطفی و سنتی فروکش می‌کند و جای آن را ارتباطات سرد و رسمی می‌گیرد. (رابینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین ۱۳۹۱).

تونیس معتقد است گذار از گماین‌شافت به گزل‌شافت، که شاخص تحولات شهرنشینی و مدرنیته است، موجب تغییرات ساختاری و فرهنگی بنیادین می‌شود. این تغییرات به تنهایی همه پدیده‌های مدرن مثل فردگرایی، کاهش نهاد خانواده سنتی و بوروکراسی را توجیه می‌کند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تغییر، ضعف همبستگی اجتماعی، احساس انزوا و بیگانگی افراد در ساختارهای جدید است.

نظریه لوئیس ورت: شهرنشینی به مثابه یک روش زندگی

لوئیس ورت معتقد است ویژگی‌های ویژه شهر می‌تواند یک سبک زندگی جداگانه ایجاد کند که کاملاً متفاوت از زندگی روستایی است. جمعیت زیاد و متراکم، ناهمگونی فرهنگی و تنوع اجتماعی منجر به شکل‌گیری روابط اجتماعی پراکنده‌تر و غیرشخصی‌تر می‌شود. به دلیل این شرایط، افراد در شهرها کمتر متکی به روابط خویشاوندی هستند و بیشتر از طریق قراردادهای تعاملات رسمی و بخش‌های تخصصی جامعه زندگی می‌کنند. (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۹).

ورت تفکیک اجتماعی و پراکندگی را ویژگی اصلی زندگی شهری می‌داند؛ به طوری که افراد در شهر رابطه چندانی با یکدیگر ندارند و به جای ارتباطات بومی و سنتی، با افراد و گروه‌های متنوعی مواجه‌اند که اغلب اوقات ناپایدار و گذرا هستند. این امر روی هویت فردی اثر می‌گذارد و افراد را وادار به انطباق سریع با شرایط متحول شهر می‌کند. (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۹).

نظریه آنتونی گیدنز: سبک زندگی به مثابه هویت فردی انتخاب شده

آنتونی گیدنز که یکی از متفکران برجسته جامعه‌شناسی مدرن است، مفهوم سبک زندگی را به عنوان مجموعه‌ای از عملکردها و انتخاب‌هایی تعریف می‌کند که فرد برای شکل دادن به هویت شخصیتیش اتخاذ می‌کند. او معتقد است هویت در جوامع مدرن، برخلاف جوامع سنتی، بر پایه انتخاب‌های آگاهانه و فعال شکل می‌گیرد. در جامعه مدرن، فرد با تنوع و گستردگی گزینه‌های مختلف فرهنگی، رفتاری و مصرفی روبرو است که هریک قابلیت ابراز بخشی از هویت فردی را دارند. گیدنز بیان می‌کند که سبک زندگی صرفاً پاسخ به نیازهای روزمره نیست، بلکه نحوه‌ای است که افراد روایت خاص خود را از هویت در برابر دیگران نمایان می‌سازند. این روایت، وسیله‌ای برای متمایز شدن فرد و ایجاد حس امنیت هستی‌شناختی است؛ به عبارتی سبک زندگی مجموعه‌ای از عادات، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌هایی است که به فرد کمک می‌کند در دنیای پیچیده و پر از انتخاب‌های ناهمگون، مسیر مشخصی را دنبال کند. (جنکیز، ۱۳۸۵).

پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی

امیری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان مدیریت یکپارچه شهری و رویکرد فرهنگی نشان دادند رشد شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع شهری و فرهنگ جامعه را به سرعت از اعتقادات و آداب و سنن دور کرد و تمایل به زندگی امروزی و استفاده از رفاه و ارزش‌های مادی به نوعی ارزش اجتماعی تبدیل شد به گونه‌ای که رشد تجملات و تزئینات در سیمای شهر و خانه‌ها از همیشه نمایان‌تر شد و جامعه‌ها را از پابندی به یکدیگر و مناسبات خانوادگی و خویشاوندی دور کرد. در جوامع سنتی و روابط اجتماعی به هم پیوسته بود و باورهای مشترک و مشخصی وجود داشت و افراد همدیگر را می‌شناختند و اعتماد میان افراد بیشتر بود و روابط اجتماعی براساس آشنایی‌های دراز مدت و دوستی و مناسبات فامیلی و خانوادگی استوار و پایدار بود. ولی جوامع بزرگ شهری امروز به خاطر وجود شرایطی خاص، فرصتی برای شناختن افراد نگذاشته است.

پیروندیری، (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تبیین کیفیت زندگی زنان شاغل شهر رشت از روی تغییرات و پیامدهای ناشی از سبک زندگی مدرن نشان داد پیامدهای فردی با ۲۵٪ بالاترین تأثیر و پس از آن پیامدهای خانوادگی در مرحله دوم و پیامدهای اجتماعی کمترین تأثیر را در تبیین کیفیت زندگی زنان مورد مطالعه برجای گذارد. در مجموع پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی به میزان ۳۰٪ کیفیت زندگی زنان شاغل شهر رشت را تبیین نمودند. در نتیجه کیفیت زندگی زنان در ابعاد ذهنی و عینی می‌تواند در گرو بهره‌گیری مناسب از سبک‌های زندگی مدرن در ابعاد فردی- خانوادگی و اجتماعی باشد.

لشکری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان نقش مدیریت شهری (شهرداری‌ها) در آموزش فرهنگ شهرنشینی نشان دادند آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد، این مولفه درجهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثری دارد. این مولفه آموزشی با مشوق‌هایی چون احساس برادری، همنوعی، تعهد، و مسئولیت‌پذیری همراه است.

مختاری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان اثربخاطر بندی فرهنگی برکنش فرهنگی شهرنشینی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور کشور نشان داد فرهنگ شهرنشینی هویت‌های شهروندی و بنیان‌های عاملیت مند جاگیر شده هستند و با توجه به تنوع فرهنگی در کشور یکی از علل رعایت فرهنگ شهرنشینی می‌تواند به ساختار بندی فرهنگی مربوط باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در ساختار بندی اسلامی، نظام اعتقادی متأثر از نظام شخصیتی و هنجارهای اسلامی تأثیر داشته و کنش‌های اسلامی و نظامی تأثیر داشته است که مبین تأیید نظریه‌های دورکیم و بورديو در این خصوص است که در ساختار بندی غربی، اعتقاد و اعتقاد غربی و نظام شخصیتی متأثر از هنجارهای غربی تأثیر داشته است که متناسب با نظریه‌های پارسونز و ارمه می‌باشد و در ساختار بندی ایرانی، اعتقاد متأثر از کنش‌های ایرانی و نظام شخصیتی تأثیر داشته است که متناسب با نظریه‌های ترنر و ارمه می‌باشد و بر مبنای ساختار بندی محلی، اعتقاد متأثر از اعتقاد محلی و نظام شخصیتی در کنش رعایت فرهنگ شهرنشینی تأثیر داشته است که مبین تأیید نظریه دالگران در این خصوص می‌باشد.

همکاران نعمتی و رضایی (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان «نقش ساختارهای بوروکراتیک و حقوقی در شکل‌گیری فرهنگ شهرنشینی»، دریافتند که استقرار ساختارهای بوروکراتیک و نظام‌های حقوقی عقلانی در شهرهای ایران زمینه‌ساز توسعه فرهنگ شهرنشینی مدرن شده است. نتایج پژوهش نشان داد که این ساختارها علاوه بر نظم‌دهی اجتماعی، موجب تقویت هنجارها و قوانین شهروندی شده و به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک کرده‌اند.

کاظمی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی پیامدهای روانی زندگی شهری در شهر ابدان» یافته‌ها نشان داد که فشارهای محیطی و اجتماعی زندگی مدرن شهری باعث افزایش استرس، کسالت و احساس انزوای اجتماعی در میان ساکنان شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که این پیامدها می‌توانند رابطه شهروندان با فضای شهری و فرهنگ مشترک را تضعیف کرده و زمینه‌های کاهش همبستگی اجتماعی را فراهم کنند.

تحقیقات خارجی:

لی، هارین (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «مکانیزم‌های تنوع فرهنگی در جمعیت‌های شهری» نشان داد که کلان‌شهرهای بزرگ نه تنها به دلیل تنوع جمعیتی، بلکه به واسطه فرصت‌های گسترده‌تری که برای کاوش فرهنگی فردی فراهم می‌کنند، تنوع فرهنگی بیشتری دارند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که ویژگی‌های جمعیتی مانند سن، جنسیت، درآمد، مهاجرت و تحصیلات تاثیر مهمی بر این الگوها دارند اما به تنهایی نمی‌توانند توضیح‌دهنده کامل این روند باشند. پژوهش نشان داد که تلفیق تعاملات فرهنگی میان فردی در شهرهای بزرگ، به طور قابل توجهی موجب افزایش گستره فرهنگی و تجربه‌های متنوع می‌شود. این تحقیق همچنین با استفاده از داده‌های گسترده و روش‌های استنباط علی، به تفاوت‌های فرهنگی بین شهرهای متوسط و بزرگ پرداخت و نتیجه گرفت که وجود زیرساخت‌های فرهنگی کافی در شهرهای بزرگ باعث افزایش میزان تنوع فرهنگی افراد می‌شود اما این روند پس از رسیدن به حدی از اندازه جمعیت محدود می‌شود.

اسمیت، ج و جانسون، ل (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ شهری و تحول سبک زندگی در شهرهای مدرن» گزارش دادند که محیط‌های شهری باعث شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی جدید، و تغییر ساختارهای خانواده و هویت‌های فردی می‌شود. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود که فرایند تجاری‌سازی، صنایع تفریحی و موسسات فرهنگی در شهرها، الگوهای سبک زندگی متمایزی ایجاد کرده‌اند که به شدت با محیط‌های روستایی متفاوت بوده و فردگرایی و مصرف‌گرایی را به عنوان عناصر اصلی زندگی شهری جدید برجسته می‌سازند.

براون، آ و گرین، پ (۲۰۲۴) در مقاله «پیشگامان فرهنگ شهری: چرا فرهنگ برای عملکرد شهری اهمیت دارد» نشان دادند که فرهنگ شهری فعال و نیرومند نه تنها انسجام اجتماعی بلکه نتایج اقتصادی شهرها را نیز ارتقا می‌بخشد. مطالعه آنها تأکید کرد که سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فرهنگی به برندسازی شهری، گردشگری و غرور محلی کمک کرده و نقش استراتژیک فرهنگ را در سیاست‌های شهری و توسعه برجسته می‌کند.

دیویدز، ک (۲۰۲۲) در گزارشی با عنوان «فرهنگ شهری: گزارش جهانی توسعه پایدار شهری» اظهار داشت که مدل‌های حکمرانی که تنوع فرهنگی فراگیر را تقویت می‌کنند، می‌توانند شهرهای فوق متنوع را به مراکز همیاری، همزیستی و نوآوری اجتماعی تبدیل کنند. شواهد نشان داد که دسترسی عادلانه به مشارکت و تولید فرهنگی برای حفظ زندگی فرهنگی فعال شهری نسل به نسل حیاتی است.

مارتینز، س و لویز، ف (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تنوع فرهنگی و پویایی اجتماعی شهری» نتیجه گرفتند که تمرکز جمعیت‌های متنوع در کلانشهرها تبادل و تعامل فرهنگی را تسهیل کرده که این امر به عنوان مکانیسم‌های حیاتی برای همگرایی اجتماعی و نوآوری قلمداد می‌شود، هرچند چالش‌هایی برای مدیریت تنش‌های فرهنگی و حفظ هارمونی اجتماعی در میان رشد سریع شهری و جهانی‌شدن باقی‌مانده است.

کیم، ج (۲۰۲۴) در مقاله «شهرنشینی و تغییرات اجتماعی: دوره مدرن» گزارش داد که رشد شهری به طور تاریخی باعث شکل‌گیری اشکال جدید تفریح، فرهنگ مصرفی و فعالیت‌های فکری شده که رفتارهای اجتماعی را بازتعریف کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که زندگی شهری نقش قابل توجهی در تغییر نقش‌های اجتماعی و افزایش مواجهه با محصولات فرهنگی نوین ایفا می‌کند و سبک زندگی مدرن را به طور مداوم توسعه می‌بخشد.

- چارچوب نظری پژوهش

از منظر ماکس وبر، شهر نهادی اجتماعی-سیاسی است که محل ظهور عقلانیت مدرن به شمار می‌رود. شهر به عنوان فضایی بوروکراتیک و قانونی که ساختارهای انتظامی، حقوقی و اجتماعی منظم و عقلانی در آن شکل گرفته‌اند، بستری است که بر اساس آن سبک زندگی مدرن شکل گرفته است. وبر همچنین بر قشربندی اجتماعی شهر تأکید دارد که ترکیبی از طبقه اقتصادی، وضعیت اجتماعی و ساختار سیاسی است و این سه مولفه تعیین‌کننده موقعیت اجتماعی افراد در شهر هستند. این دیدگاه امکان بررسی چگونگی تأثیر ساختارهای پیچیده اجتماعی و سیاسی بر فرهنگ شهرنشینی و سبک زندگی در ابدان را فراهم می‌آورد و به تحلیل تعامل بین ویژگی‌های تاریخی و مدرن در این شهر کمک می‌کند. کارل مارکس، دیدگاهی مکتب تضاد ارائه می‌دهد که نابرابری‌های اقتصادی و تضاد طبقاتی را در قلب تحلیل جامعه شهری قرار می‌دهد. از این منظر، شهر به مثابه صحنه‌ای برای کشمکش میان بورژوازی، صاحبان سرمایه و پرولتاریا، نیروی کار، است که مظاهر نابرابری اقتصادی و اجتماعی را در قالب استثمار، فقر، حاشیه‌نشینی و بی‌عدالتی به نمایش می‌گذارد. تحلیل مارکسیستی امکان تبیین توزیع نامتوازن قدرت و منابع در ابدان و پیامدهای اجتماعی آن بر رفتارها و سبک زندگی شهروندان را فراهم می‌کند و به نقد ساختارهای شهری غیرعادلانه می‌پردازد.

فردیناند تونیس با تمایز میان «گماینشافت» و «گزلشافت» نشان می‌دهد که گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن موجب کاهش پیوندهای عاطفی و افزایش روابط قراردادی و عقلانی در جامعه شهری می‌شود. این نظریه به فهم چگونگی تغییر ارتباطات اجتماعی در بستر شهر ابدان کمک می‌کند و تغییرات ساختاری و فرهنگی ناشی از مدرنیته را که زمینه‌ساز احساس انزوا و ضعف همبستگی اجتماعی است، تحلیل می‌کند. لوئیس ورت با مطالعه ویژگی‌های خاص فضای شهری، سبک زندگی شهری را منحصر به فرد معرفی می‌کند که به دلیل ناهمگونی فرهنگی، پراکندگی اجتماعی و فشارهای روانی ناشی از زندگی شهری شکل می‌گیرد. این نظریه دیدگاه روانی-اجتماعی به زندگی شهری دارد و به بررسی پیامدهای روانی و رفتاری محیط شهری در ابدان مبادرت می‌ورزد. مکتب شیکاگو با رویکرد بوم‌شناختی، شهر را اکوسیستمی فرهنگی-اجتماعی می‌داند که در آن گروه‌های اجتماعی و فرهنگی بر اساس رقابت برای منابع محدود فضایی و اقتصادی سازماندهی شده‌اند. نظریه‌های مناطق متحدالمرکز، قطاعی و چند هسته‌ای این مکتب، ابزارهای مفیدی برای تحلیل ساختار فضایی و تقسیم‌بندی جمعیت در شهر ابدان فراهم می‌آورد که منعکس‌کننده تنوع فرهنگی و اجتماعی هستند.

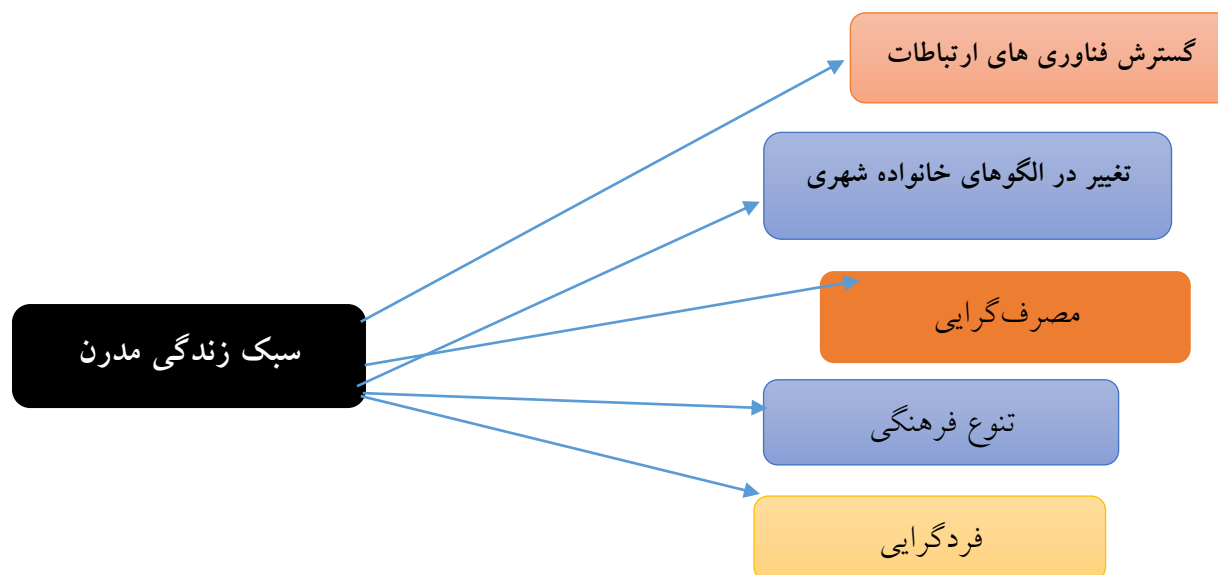
از دیدگاه آنتونی گیدنز، سبک زندگی نتیجه انتخاب‌های آگاهانه فردی در پاسخ به گزینه‌های گسترده فرهنگی جامعه مدرن است. سبک زندگی نه تنها کنشی فردی بلکه بازنماد جریان‌ات اجتماعی و فرهنگی است که هویت فردی را شکل می‌دهند و بازتولید می‌کنند. این رویکرد شبکه ارتباطی وسیعی میان سبک زندگی، رسانه‌ها، و ویژگی‌های مدرنیته از جمله فاصله‌گیری زمانی و مکانی و بازاندیشی ساختارهای اجتماعی فراهم می‌کند. تورشتاین وبلن نیز بر بعد طبقاتی سبک زندگی تأکید دارد و

مصرف تظاهری را ابزاری برای بازتولید هویتی و نشان دادن جایگاه اجتماعی می‌داند. از این منظر، سبک زندگی نمادی از تعلق طبقات اجتماعی و بازنمایی فرهنگی آن‌ها است که در شهرهای مدرن نمود عینی پیدا می‌کند.

دیوید چانی نگاهی پویا به سبک زندگی دارد و آن را واکنشی به تحولات اجتماعی و مکانیزی برای حفظ هویت فردی و جمعی در مواجهه با تغییرات و ناپایداری‌ها می‌داند. از این لحاظ، سبک زندگی وسیله‌ای برای ثبات و مقابله با بحران‌های احتمالی در فضای شهری به شمار می‌آید. به موازات این دیدگاه‌ها، تلفیقی از مکتب ساختارگرایی دیوید هاروی و آنتونی گیدنز و مکتب فرهنگ‌گرا به پژوهشگر امکان می‌دهد که ساختارهای نهادی-اقتصادی و فرهنگی-معنایی را توأمان تحلیل کند. شهرهای مدرن نه تنها یک ساختار کالبدی بلکه فضایی فرهنگی با هویت‌های چندگانه و نمادهای متنوع هستند که در تعامل مداوم با نیروهای اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرند.

کارکردگرایی نیز در این چارچوب نقش مهمی دارد، زیرا به تحلیل اجزای مختلف نظام شهری و کارکردهای مثبت و منفی آن‌ها می‌پردازد و تغییرات اجتماعی را فرآیندی تدریجی و کنترل شده می‌بیند که به حفظ انسجام اجتماعی و پایداری نظم شهری کمک می‌کند. این چارچوب نظری متکی بر تلفیق دیدگاه‌های متنوع و مکمل است که رفتارها، ساختارها، فرهنگ و سبک زندگی شهری را از منظرهای مختلفی تحلیل می‌کند. این رویکرد می‌تواند به شناسایی عوامل متعددی که بر فرهنگ شهرنشینی و سبک زندگی مدرن در شهر ابدان تأثیرگذارند کمک کرده و راهگشای یافتن راهکارهایی متناسب با شرایط محلی و تحولات جهانی باشد. در نهایت چنین چارچوبی می‌تواند به فهم عمیق‌تر از تعامل میان ساختارهای تاریخی، نهادهای مدرن، فرهنگ شهری و کنش‌های فردی بیانجامد که همگی در شکل‌دهی به زندگی مدرن شهری نقش اساسی دارند.

مدل مفهومی:



روش پژوهش

با توجه به موضوع تحقیق، این مطالعه از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است زیرا انتظار بر این است که گروه های مختلفی از جمله عموم مردم، مدارس، دانشجویان، دانشگاه ها و... از نتایج تحقیق در جهت اخذ تصمیمات کارا بهره گیرند. تحقیق حاضر از نظر شیوه انجام کار از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است زیرا سعی می شود به توصیف وضعیت فعلی و تحلیل ارتباط بین متغیرها پرداخته شود و از لحاظ زمانی مقطعی می باشد.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

بر اساس آخرین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر آبدان در شهرستان دیر، استان بوشهر، حدود ۶۸۲۷ نفر گزارش شده است. این عدد نشان دهنده رشد جمعیت نسبت به سال های گذشته است که مثلاً در سال ۱۳۸۵ جمعیت حدود ۶۰۵۸ نفر بوده است. شهرستان دیر شامل پنج شهر به نام های بندر دیر، بردستان، آبدان، دوراهک و بردخون است و جمعیت کل شهرستان دیر در سال ۱۳۹۵ برابر با ۶۰۶۱۲ نفر اعلام شده است.

شهر آبدان مرکز بخش آبدان در این شهرستان است و موقعیت جغرافیایی آن در بخش مرکزی شهرستان دیر و در فاصله حدود ۱۳۴ کیلومتر جنوب شرقی بندر بوشهر قرار دارد. این شهر در منطقه ای کوهپایه ای واقع شده و اقلیم آن گرم و خشک است. بنابراین می توان گفت که جمعیت شهری آبدان در حدود ۶۸۰۰ نفر است که آخرین آمار رسمی ثبت شده است و برای مطالعات جمعیتی و فرهنگی شهری در این منطقه معیار قابل اعتمادی به شمار می رود.

جامعه آماری شامل افراد بالای ۲۰ سال شهر آبدان می شود که در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ حدوداً جمعیت شهر آبدان در شهرستان دیر، استان بوشهر، برابر با ۶۸۲۷ نفر (شامل ۱۸۱۹ خانوار) بوده است. با توجه به داده های موجود، تخمین می شود که جمعیت بالای ۲۰ سال این شهر حدود ۵۰۰۰ تا ۵۲۰۰ نفر باشد؛ زیرا معمولاً در ساختار جمعیتی شهری، درصد جمعیت بالای ۲۰ سال حدود ۷۵٪ کل جمعیت است. می باشد. با توجه به جدول مورگان، ۳۵۷ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شده است. روش نمونه گیری، تصادفی طبقه ای بود.

روش گردآوری اطلاعات

روش های گردآوری داده ها در این تحقیق آمیزه ای از روش های کتابخانه ای و میدانی است. در روش کتابخانه ای از طریق مطالعات کتابخانه ای، ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق و نیز چارچوبی مناسب برای موضوع فراهم می شود. در روش میدانی تحقیق، از طریق پرسشنامه، داده های مورد نیاز برای تایید یا رد فرضیه های تحقیق گردآوری می گردد.

ابزار گردآوری داده ها

داده های این پژوهش از طریق ۱ پرسشنامه گردآوری شد:

- پرسشنامه الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تاکید بر سبک زندگی مدرن: پرسشنامه استاندارد سنجش توسط مدرسی یزدی و همکاران در سال ۱۳۹۳ طراحی شده است و دارای ۲۵ سوال و ۵ بعد (ابعاد و مولفه های مختلف الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تاکید بر سبک زندگی مدرن به ترتیب زیر هستند: فرهنگ و هویت شهری، مشارکت اجتماعی و فرهنگی، تنوع فرهنگی و جمعیتی، کیفیت فضای شهری و امکانات فرهنگی، ساختارهای نهادی و مدیریت شهری، سبک زندگی مدرن، امنیت

و ایمنی اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی، مولفه‌های اقتصادی و مصرفی، آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی) می باشد. در پرسشنامه حاضر بر اساس مولفه های زیر تشکیل شده است فردگرایی، تنوع فرهنگی، مصرف گرایی، تغییر در الگوهای خانواده شهری، گسترش فناوری های ارتباطات می باشد مقیاس این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج درجه بوده و شامل منبع معتبر، شیوه نمره گذاری، تعریف مفهومی، تعریف عملیاتی، روایی و پایایی مطلوب (آلفای کرونباخ بالای ۷۰ صدم) می باشد.

جدول ابعاد و سوالات پرسشنامه الگوهای فرهنگ شهرنشینی با تاکید برسبک زندگی مدرن

ابعاد	تعداد سوالات
فردگرایی	۱-۵
تنوع فرهنگی	۶-۱۰
مصرف گرایی	۱۱-۱۵
تغییر در الگوهای خانواده شهری	۱۶-۲۰
گسترش فناوری های ارتباطات	۲۱-۲۵

روایی و پایایی پرسشنامه

جهت سنجش روایی پرسشنامه از اعتبار محتوایی استفاده شده است، به این نحو که پرسشنامه‌ها در اختیار اساتید قرار گرفته و نظرات آنها در مورد اینکه آیا پرسشنامه ابزار خوبی برای سنجش متغیرها هستند خواسته شد که مورد تأیید ایشان بود. در این تحقیق به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید.

جدول ابعاد و مولفه های پرسشنامه با آلفای کرونباخ

خرده مقیاس	آلفای کرونباخ هر مولفه
فردگرایی	۰/۸۹
تنوع فرهنگی	۰/۸۴
مصرف گرایی	۰/۷۴
تغییر در الگوهای خانواده شهری	۰/۹۱
گسترش فناوری های ارتباطات	۰/۸۲
آلفای کل پرسشنامه	۸۲.۹

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از تکمیل پرسشنامه ها، اطلاعات بدست آمده بوسیله نرم افزارهای SPSS تحلیل شد و از کلیه متغیرهای وارد شده آمار توصیفی همچنین آمار استنباطی گرفته شد و رد یا تایید فرضیات جهت پی بردن به سطح رابطه و همبستگی میان متغیر ها مشخص شد. دو دسته آزمون توصیفی (شامل فراوانی، درصد و انحراف معیار داده ها) و در بخش تحلیل داده های پژوهش به

منظور تعیین نرمال و یا غیر نرمال بودن داده ها از آزمون کلموگروف -اسمیرنوف استفاده شد و به تناسب نتیجه این آزمون، از آزمون های استنباطی همبستگی پیرسون، با هدف بررسی فرضیات انجام شد.

۴- یافته های توصیفی

جدول ۴-۱- توزیع فراوانی سن پاسخگویان

شاخص ها	فراوانی	درصد
۲۴-۲۰	۹۸	۲۷.۴۵
۲۵-۲۹ سال	۱۰۲	۲۸.۵۷
۳۰-۳۵ سال	۸۶	۲۴.۰۸
۳۶-۴۰	۴۸	۱۳.۴۴
۴۱ سال به بالا	۲۳	۶.۴۴
تعداد	۳۵۷	۱۰۰.۰

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس یافته های تحقیق ۲۷.۴۵ درصد میزان سن شان بین ۲۰ تا ۲۴ سال و ۲۸.۵۷ درصد آنها بین ۲۵-۲۹ سال، ۲۴.۰۸ درصد بین ۳۰-۳۵ سال و ۱۳.۴۴ درصد بین ۳۶-۴۰ سال و ۶.۴۴ درصد بالاتر از ۴۱ سال سن دارند.

جدول ۴-۲- توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان

شاخص ها	فراوانی	درصد
زن	۱۲۳	۳۴.۴۵
مرد	۲۳۴	۶۵.۵۴
تعداد	۳۵۷	۱۰۰.۰

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس یافته های تحقیق ۳۴.۴۵ درصد پاسخگویان زن و ۶۵.۵۴ درصد آنها مرد می باشند.

جدول ۴-۳- توزیع فراوانی میزان تحصیلات پاسخگویان

شاخص ها	فراوانی	درصد
دیپلم و فوق دیپلم	۹۹	۲۷.۷۳
لیسانس	۲۰۶	۵۷.۷۰
فوق لیسانس و بالاتر	۵۲	۱۴.۵۶
تعداد	۳۵۷	۱۰۰.۰

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس یافته های تحقیق ۲۷.۷۳ درصد میزان تحصیلاتشان دیپلم و فوق دیپلم و ۵۷.۷۰ درصد لیسانس و ۱۴.۵۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده اند.

جدول ۴-۷- توزیع فراوانی مسائل و مشکلات اجتماعی در محل سکونت خانوار پاسخگویان

شاخص ها	فراوانی	درصد
حضور گدایان	۳۹	۱۰.۹۲
حضور ولگردان	۴۸	۱۳.۴۴
حضور معتادان و قاچاقچیان	۵۹	۱۶.۵۲
مزاحمت برای افراد به خصوص بانوان و دوشیزگان	۵۶	۱۵.۶۸
مشاجرت و دعوای خانوادگی	۳۳	۹.۲۴
سرقت	۲۲	۶.۱۶
فحشاء	۱۲	۳.۳۶
مساله خاصی وجود ندارد	۸۸	۲۴.۶۴
تعداد	۳۵۷	۱۰۰.۰

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس یافته های تحقیق ۱۰.۹۲ درصد پاسخگویان حضور گدایان و ۱۳.۴۴ درصد حضور ولگردان، ۱۶.۵۲ درصد حضور معتادان و قاچاقچیان، ۱۵.۶۸ درصد مزاحمت برای افراد به خصوص بانوان و دوشیزگان، ۹.۲۴ درصد مشاجرت و دعوای خانوادگی، ۶.۱۶ درصد سرقت سرقت، ۳.۳۶ درصد فحشاء و همچنین ۲۴.۶۴ درصد به این سوال پاسخ داده اند که مساله خاصی وجود ندارد.

جدول ۴-۸- توزیع فراوانی چگونگی خدمات و امکانات عمومی موجود در محل سکونت خانوار پاسخگویان

شاخص ها	فراوانی	درصد
وجود ندارد	۵۴	۱۵.۱۲
وجود دارد (به طور نامنظم)	۱۲۴	۳۴.۷۳
وجود دارد (به طور منظم)	۱۷۹	۵۰.۱۴
تعداد	۳۵۷	۱۰۰.۰

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس یافته های تحقیق ۱۵.۱۲ درصد پاسخگویان گزینه خدمات و امکانات عمومی موجود در محل سکونت خانوار وجود ندارد و ۳۴.۷۳ درصد آنها گزینه وجود دارد (به طور نامنظم) و ۵۰.۱۴ درصد گزینه وجود دارد (به طور منظم) پاسخ داده اند.

یافته های آمار استنباطی

در این بخش از پژوهش تحلیل داده ها بر اساس پاسخ به سوالات پژوهش انجام می پذیرد.

بررسی فرض نرمال بودن داده های مربوط به پرسشنامه با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف KS

از آن جایی که برای استفاده از تکنیک های آماری مقتضی ابتدا باید مشخص شود که داده های جمع آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا غیر نرمال، در این مرحله به بررسی نتایج حاصل از آزمون کولموگوروف- اسمیرنوف در مورد هریک از

متغیرها می پردازیم و بر اساس نتایج حاصل، آزمون های مناسب برای بررسی صحت و سقم فرضیات تحقیق را اتخاذ می نماییم.

داده های متغیر مربوطه دارای توزیع نرمال است: H_0
داده های متغیر مربوطه دارای توزیع نرمال نیست: H_1

جدول شماره (۴-۹) نتیجه آزمون نرمال بودن متغیرها

ابعاد	سطح معنی داری	تایید فرض	نتیجه گیری
فردگرایی	۰/۴۲	H_1	غیرنرمال است
تنوع فرهنگی	۰/۵۶	H_1	غیرنرمال است
مصرف گرایی	۰/۱۱	H_1	غیرنرمال است
تغییر در الگوهای خانواده شهری	۰/۲۱	H_1	غیرنرمال است
گسترش فناوری های ارتباطات	۰/۳۷	H_1	غیرنرمال است

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

از آن جایی که با توجه به نتایج جدول مقدار سطح معنی داری برای تمام ابعاد بزرگتر از مقدار خطای $P/Value=0/05$ است در نتیجه داده ها دارای توزیع غیر نرمال بوده و برای تحلیل آن باید از آزمون های ناپارامتریک استفاده شود.

فرضیه اصلی

به نظر می رسد بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۰: ضریب همبستگی بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی بر سبک زندگی مدرن

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
الگوهای فرهنگ شهرنشینی	۲.۳۶	۰/۳۱۹	ضریب همبستگی	۰/۵۱۳
سبک زندگی مدرن	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵	معناداری	۰/۰۳

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه معنادار وجود دارد زیرا سطح معناداری ۰۳٪ می باشد. که فرضیه با ۹۷٪ اطمینان مورد تایید است. $r=0/513$ $Sig=0/03$

فرضیه های فرعی

بین فردگرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۱: ضریب همبستگی بین فردگرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
فردگرایی	۳.۵۴۲	۰/۳۵۵۴	ضریب همبستگی	۰/۵۱۷
سبک زندگی مدرن	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵	معناداری	۰/۰۱

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه فردگرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه معنادار وجود دارد لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۱ می باشد پس فرضیه با ۹۹٪ اطمینان قابل قبول است. $r=0/517$ Sig =0/01

بین تنوع فرهنگی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۲: ضریب همبستگی تنوع فرهنگی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
تنوع فرهنگی	۲.۱۱۲۳	۰/۴۵۲۴	ضریب همبستگی	۰/۷۰۱
سبک زندگی مدرن	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵	معناداری	۰/۰۲

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین فردگرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه معنادار وجود دارد لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۲ می باشد و پس فرضیه با ۹۸٪ اطمینان قابل قبول است. $r=0/701$ Sig =0/02

بین مصرف گرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۳: ضریب همبستگی بین مصرف گرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
مصرف گرایی	۴۰.۰۱۳	۰/۵۴۶۴	ضریب همبستگی	۰/۶۱۳
بر سبک زندگی مدرن	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵	معناداری	۰/۰۵

مطالعات نگارنده، ۱۴۰۴

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین مصرف گرایی بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه معنادار وجود دارد لذا فرضیه فوق الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می گیرد پس فرضیه با ۹۵٪ اطمینان قابل قبول است. $r=0/613$ Sig =0/05

بین تغییر در الگوهای خانواده شهری بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۴: ضریب همبستگی بین تغییر در الگوهای خانواده شهری بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان

متغیر ها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
تغییر در الگوهای خانواده شهری	۲.۱۱	۱.۰۷۴	ضریب همبستگی	۰/۷۱۵
سبک زندگی مدرن در شهر آبدان	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵	معناداری	۰/۰۲

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تغییر در الگوهای خانواده شهری بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه معنادار وجود دارد لذا فرضیه فوق‌الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می‌گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۲ می باشد پس فرضیه با ۹۸٪ اطمینان تایید شده است. $r=0/715$ Sig = 0/02

بین گسترش فناوری های ارتباطات بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴-۱۵: ضریب همبستگی بین گسترش فناوری های ارتباطات بر سبک زندگی مدرن در شهر

آبدان

متغیر ها	میانگین	انحراف معیار	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
گسترش فناوری های ارتباطات	۲.۱۱	۱.۰۷۴	ضریب همبستگی	۰/۴۴۵
سبک زندگی مدرن در شهر آبدان	۳.۲۷۴۱	۰/۶۶۲۵	معناداری	۰/۰۴

بر اساس نتایج حاصله از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین گسترش فناوری های ارتباطات بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه معنادار وجود دارد لذا فرضیه فوق‌الذکر با قوت بالا مورد تأیید قرار می‌گیرد چون ضریب معناداری ۰/۰۲ می باشد پس فرضیه با ۹۸٪ اطمینان تایید شده است. $r=0/445$ Sig = 0/04

۵- نتیجه گیری

فرضیه اصلی: بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی و سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون با $r=0.513$ و سطح معنی‌داری $p=0.03$ تأییدکننده وجود رابطه مثبت و معنادار بین الگوهای فرهنگ شهرنشینی و سبک زندگی مدرن است. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد که این متغیر ۲۶ درصد تغییرات سبک زندگی مدرن را تبیین می‌کند که نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه فرهنگ شهرنشینی است. این یافته‌ها با تحقیقات قبلی چون مطالعات سعیدی (۱۳۹۸) و پژوهش‌های جهانی مانند رابرت و همکاران (۲۰۱۹) همسو است که فرهنگ شهری را عامل اصلی تغییر سبک زندگی در جوامع مدرن می‌دانند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات فرهنگی در فضای شهری به عنوان موتور محرک تحولات سبک زندگی عمل می‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد که الگوهای فرهنگ شهرنشینی، شامل ارزش‌ها، هنجارها، رفتارهای مشارکتی و رابطه فرد با جامعه، به طور مستقیم بر چگونگی تعریف و اداره زندگی مدرن اثرگذار است. پیچیدگی‌های فرهنگی شهرنشینی، از جمله سبک تعاملات اجتماعی، تعامل با تنوع فرهنگی،

و نحوه سازگاری با تغییرات سریع اجتماعی، به بازتعریف مفهوم زندگی روزمره و انتخاب‌های فردی انجامیده است. این الگوها موجب شده‌اند تا افراد در چارچوبی جدید با تأکید بر نوآوری، تغییرپذیری و سازگاری با دنیای شهری زندگی کنند که عمیقاً از ویژگی‌های مدرنیته سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، ارتقای فهم و مدیریت این الگوهای فرهنگی می‌تواند به برنامه‌ریزی‌های بهتر شهری و ارتقای کیفیت زندگی کمک کند.

فرضیه اول: بین فردگرایی و سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

ضریب همبستگی $r=0.517$ و $p=0.01$ رابطه معنادار و نسبتاً قوی بین فردگرایی و سبک زندگی مدرن را نشان می‌دهد. رگرسیون نیز بیانگر پیش‌بینی ۱۱ درصدی سبک زندگی مدرن توسط فردگرایی است. این نتایج موافق پژوهش‌های داخلی مانند تحقیق حیدری (۱۴۰۱) و مطالعات بین‌المللی مانند هوفستد (۲۰۲۱) است که فردگرایی را محرک مهم ارزش‌ها و انتخاب‌های سبک زندگی مدرن معرفی کرده‌اند. فردگرایی به مثابه کرسی مرکزی سبک زندگی مدرن، بیانگر اولویت دادن به استقلال، خودمختاری و انتخاب‌های ویژه شخصی است. در شهرهای مدرن مانند آبدان، فردگرایی به افراد امکان می‌دهد که به جای وابستگی‌های گروهی سنتی، بر توسعه توانایی‌ها و تحقق اهداف شخصی تمرکز کنند. این امر تأثیر عمیقی بر الگوهای مصرف، روابط اجتماعی، و نحوه گذران وقت آزاد دارد و به رشد خلاقیت و نوآوری فردی منجر می‌شود. با این حال، این ویژگی ممکن است چالش‌هایی چون کاهش همبستگی‌های اجتماعی و احساس انزوا نیز به همراه داشته باشد که باید در سیاست‌های اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

فرضیه دوم: بین تنوع فرهنگی و سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

همبستگی $r=0.701$ با معنی‌داری $p=0.02$ منعکس‌کننده وجود رابطه مثبت و قوی میان تنوع فرهنگی و سبک زندگی مدرن است. ضریب تعیین ۱۳ درصدی در رگرسیون نشان داد که تنوع فرهنگی نقش مهمی در تبیین تغییرات سبک زندگی دارد. تنوع فرهنگی به منزله یک منبع غنی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای متنوع، فضای بکری برای رشد و تحول سبک زندگی مدرن فراهم می‌آورد. این تنوع قابلیت مقابله با یکسان‌سازی فرهنگی را کاهش داده و به گسترش الگوهای اجتماعی چندوجهی و سازگار کمک می‌کند. تعامل مستمر بین فرهنگ‌های مختلف، به ویژه در شهرهای چند فرهنگی، موجب عبادت‌پذیری بیشتر نسبت به تفاوت‌ها، افزایش خلاقیت در سبک زندگی و بهبود کیفیت زندگی شده است. البته، تنوع فرهنگی پویایی‌هایی از تعارضات فرهنگی نیز ایجاد می‌کند که مدیریت هوشمندانه آن برای جلوگیری از اختلافات و رشد فرهنگی لازم است.

فرضیه سوم: بین مصرف‌گرایی و سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

نتایج نشان داد همبستگی معناداری با $r=0.613$ و $p=0.05$ بین مصرف‌گرایی و سبک زندگی مدرن وجود دارد. ضریب تعیین ۱۱ درصد در رگرسیون نشان‌دهنده تأثیر مصرف‌گرایی بر سبک زندگی است. مصرف‌گرایی به عنوان یکی از شاخصه‌های بارز زندگی مدرن، بازتابی از تحولات اقتصادی و فرهنگی است که بر ارزش‌ها و رفتارهای خرید تأثیر می‌گذارد. در شهر آبدان، مصرف‌گرایی موجب تغییر در هویت فردی و اجتماعی شده و رفتارهای مصرفی را به ابزاری برای ابراز شخصیت و موقعیت اجتماعی تبدیل کرده است. این روند علاوه بر افزایش رونق اقتصادی، می‌تواند چالش‌هایی چون فشارهای

مالی، ایجاد تضادهای اجتماعی، و نگرانی‌های محیط زیستی را به همراه آورد. نتایج این بخش با مطالعات ملکی (۱۴۰۰) و چنگ (۲۰۱۸) همخوان است و نشان می‌دهد مصرف‌گرایی نقش محوری در تنظیم چارچوب‌های سبک زندگی ایفا می‌کند.

فرضیه چهارم: بین تغییر در الگوهای خانواده شهری و سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

با وجود همبستگی بالای $r=0.715$ و $p=0.02$ و سطح معنی‌داری $p=0.02$ ، تغییر الگوهای خانواده شهری یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سبک زندگی مدرن با ضریب تعیین ۴۱ درصد است. تغییرات در ساختار خانواده شهری، همواره بازتابی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که سبک زندگی را به شدت متأثر می‌کند. خانواده‌های کوچک‌تر، تغییر در نقش‌های جنسی، و افزایش خانواده‌های تک‌سرپرست نمونه‌هایی از این تغییرات هستند که الگوهای ارتباطی، حمایت اجتماعی و رفتارهای روزمره را دچار تحول کرده‌اند. این تحولات موجب افزایش استقلال فردی و تغییر الگوهای مراقبت و گذران وقت می‌شود که در جهت مدرن شدن سبک زندگی حرکت می‌کند. یافته‌های این بخش با مطالعات نجفی و عبدالهی (۱۳۹۷) و تحقیقات پاتریک (۲۰۱۷) تطابق دارد و اهمیت خانواده را به عنوان پایگاه اصلی اجتماعی‌سازی و سبک زندگی برجسته می‌سازد.

فرضیه پنجم: بین گسترش فناوری‌های ارتباطات و سبک زندگی مدرن در شهر آبدان رابطه وجود دارد.

همبستگی مثبت $r=0.445$ و $p=0.04$ و معناداری $p=0.04$ و ضریب تعیین ۴۱ درصدی در رگرسیون، گسترش فناوری‌های ارتباطات را به عنوان عاملی کلیدی در تبیین سبک زندگی مدرن معرفی می‌کند. گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، انقلابی در نحوه تعاملات اجتماعی، دریافت و انتقال اطلاعات و انجام فعالیت‌های روزمره ایجاد کرده است. در شهر آبدان، این فناوری‌ها باعث شده‌اند تا مرزهای زمانی و مکانی کمتر اهمیت پیدا کرده و سبک زندگی با سرعت بیشتر به سمت انعطاف‌پذیری، ارتباطات گسترده‌تر و دسترسی آسان‌تر به منابع اطلاعاتی حرکت کند. پیامدهای مثبت شامل افزایش آگاهی، فرصت‌های آموزشی و مشارکت اجتماعی است، اما چالش‌هایی چون اعتیاد به فناوری، کاهش روابط رو در رو و افزایش فشارهای روانی نیز مشاهده می‌شود. این نتایج با تحقیقات جعفری (۱۴۰۲) و آدامز و همکاران (۲۰۲۱) هماهنگ است.

۶- یافته‌های تبیینی

یافته‌های تبیینی نشان می‌دهد که الگوهای فرهنگ شهرنشینی تأثیر قابل توجه و مثبت بر سبک زندگی مدرن در شهر آبدان دارند. این تأثیر به گونه‌ای است که تغییرات فرهنگی، ساختاری و اجتماعی شهرنشینی توانسته‌اند بخش مهمی از رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های شهروندان را شکل دهند و سبک زندگی آنان را به سمت ویژگی‌های مدرن و نوگرایی سوق دهند. به بیان دیگر، فرآیند شهرنشینی نه تنها مکان جغرافیایی زندگی را تغییر داده بلکه سبک‌ها و الگوهای زندگی را نیز به صورت بنیادین متحول کرده است.

از دیدگاه جزئی‌تر، فردگرایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ شهرنشینی، توانسته است استقلال فردی، خودباوری و تأکید بر اهداف و انتخاب‌های شخصی را در سبک زندگی افراد تقویت کند. این موضوع باعث شده که سبک زندگی مدرن با

تاکید بر آزادی تصمیم‌گیری و فعالیت‌های فردمحور شکل بگیرد، امری که در تحقیقات انصاری (۱۴۰۱) و هافستد (۲۰۱۱) نیز تأیید شده است.

یکی دیگر از عوامل اساسی، تنوع فرهنگی است که فضای شهری با جذب اقوام، نژادها و فرهنگ‌های متنوع، بستری برای گسترش دیدگاه‌های چندگانه و تسهیل تبادل فرهنگی فراهم آورده است. این تنوع موجب غنای سبک زندگی شهروندان، افزایش خلاقیت اجتماعی و پذیرش گسترده‌تر تفاوت‌ها شده و از این منظر، بازار جهانی و تحقیقات اسمیت و همکاران (۲۰۲۰) نیز نتایج مشابهی گزارش داده‌اند.

مصرف‌گرایی نیز به عنوان شاخص بارز دیگری مورد بررسی قرار گرفت که مرتبط با رشد اقتصادی، تغییر در هنجارهای اجتماعی و شکل‌گیری هویت‌های مدرن است. مطالعات ملکی (۱۴۰۰) و چنگ (۲۰۱۸) نیز نشان داده‌اند که مصرف‌گرایی به عنوان ابزاری برای ابراز موقعیت اجتماعی و هویت فردی، تأثیر عمیقی بر الگوهای رفتاری و سبک زندگی مدرن داشته است. تغییر در الگوهای خانواده شهری، که شامل کاهش حجم خانواده، تغییر نقش‌های جنسیتی و روندهای نوین در ساختار خانوادگی است، نقش کلیدی در تبیین بسیاری از چالش‌ها و فرصت‌های سبک زندگی مدرن ایفا می‌کند. یافته‌های نجفی و عبدالهی (۱۳۹۷) این موضوع را به عنوان نقطه عطفی در تغییرات اجتماعی و فرهنگی تأیید می‌کنند. در نهایت، گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تغییرات شگرفی را در نحوه ارتباطات، دسترسی به اطلاعات و رفتارهای اجتماعی مدرن ایجاد کرده است. این تحولات، مطابق با یافته‌های جعفری (۱۴۰۲) و آدامز و همکاران (۲۰۲۱)، سبب تسریع روند مدرن شدن سبک زندگی شده‌اند و فضای جدیدی برای تعاملات فردی و جمعی فراهم آورده‌اند.

۷-پیشنهادهای کاربردی

فرضیه اول: رابطه فردگرایی و سبک زندگی مدرن

تقویت برنامه‌های آموزشی و فرهنگی که استقلال و خودمختاری فردی را به عنوان ارزش‌های مثبت معرفی کند. توسعه فرصت‌های خلاقانه و نوآوری برای افراد به منظور پرورش فردگرایی سازنده در چارچوب جامعه. طراحی سیاست‌های حمایتی برای کاهش اثرات منفی فردگرایی مانند انزوای اجتماعی و ضعف همبستگی‌های جمعی. افزایش فعالیت‌های گروهی و مشارکتی با هدف ایجاد تعادل بین فردگرایی و تعلق اجتماعی. تشویق به رعایت تعادل بین اهداف فردی و مسئولیت‌های اجتماعی از طریق برنامه‌های ترویجی و آموزشی.

فرضیه دوم: رابطه تنوع فرهنگی و سبک زندگی مدرن

تقویت سیاست‌های چندفرهنگی برای بهره‌مندی از تنوع فرهنگی در ارتقای کیفیت زندگی شهری. برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی جهت ارتقاء آگاهی و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی بین شهروندان. ایجاد نهادهای آموزشی و اطلاع‌رسانی برای مدیریت هوشمندانه تعارضات فرهنگی ممکن. حمایت از مشارکت فعال اقلیت‌های فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های شهری و اجتماعی. توسعه برنامه‌های آموزشی درباره تعامل سازنده بین فرهنگ‌ها در محیط شهری.

فرضیه سوم: رابطه مصرف‌گرایی و سبک زندگی مدرن

ترویج مصرف منطقی و فرهنگ‌سازی برای کاهش اثرات منفی مصرف‌گرایی بر اقتصاد و محیط زیست. برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخشی درباره پیامدهای فشارهای مالی ناشی از مصرف‌گرایی. ایجاد فرصت‌های تفریحی و فرهنگی با اولویت ارزش‌های غیرمصرفی برای کاهش وابستگی به مصرف کالا. تشویق به خرید کالاهای بومی و حمایت از تولیدات محلی به جای مصرف‌گرایی بی‌رویه. تدوین سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی برای کاهش اختلافات اجتماعی ناشی از مصرف‌گرایی.

فرضیه چهارم: رابطه تغییر در الگوهای خانواده شهری و سبک زندگی مدرن

طراحی برنامه‌های حمایتی و مشاوره‌ای برای خانواده‌های کوچک و تک‌سرپرست به منظور تلطیف اثرات منفی تغییرات خانواده.

تدوین سیاست‌هایی برای ارتقای توانمندی والدین در مدیریت زندگی مدرن و تغییر نقش‌های خانوادگی. تقویت نهادهای حمایتی محلی جهت افزایش حمایت‌های اجتماعی و روانی خانواده‌ها. ترویج فرهنگ تعامل و همکاری خانوادگی با تاکید بر حفظ انسجام اجتماعی. توسعه برنامه‌های آموزشی برای آشنایی خانواده‌ها با پیامدهای تغییرات اجتماعی و نحوه سازگاری با آن.

فرضیه پنجم: رابطه گسترش فناوری‌های ارتباطات و سبک زندگی مدرن

افزایش دسترسی گسترده به فناوری‌های نوین ارتباطاتی و آموزش استفاده صحیح از آن‌ها. تدوین سیاست‌های کاهش پیامدهای منفی مانند اعتیاد به فناوری و افت کیفیت روابط رو در رو. ترویج استفاده از فناوری‌های ارتباطی در راستای افزایش مشارکت اجتماعی و ارتقای سواد رسانه‌ای. توسعه زیرساخت‌های فناوری با هدف تسهیل دسترسی سریع و ارزان به منابع اطلاعاتی. برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های دیجیتال و مدیریت فشارهای روانی ناشی از استفاده فناوری.

منابع:

۱. احمدی، علی، شیخ‌الاسلام، (۱۳۸۴)، روش‌های درمان مواد اعتیادآور، معاونت امنیت ناجا، اداره کل مبارزه با مواد مخدر.
۲. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.
۳. اسعدی، سیدحسن، (۱۳۹۲)، مواد مخدر و روانگردان و حقوق جنایی ملی و بین‌المللی، نشر میزان.
۴. اشکوری، سیدمحمود، (۱۴۰۳)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول.
۵. افروغ، عماد (۱۳۹۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۶. اوکلی، مارسدن و همکاران، (۱۳۷۰) رهیافت مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمدنژاد، انتشارات جهادسازندگی، تهران.
۷. آرون، ریمون (۱۳۹۰)؛ مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی؛ ترجمه باقر پرهام پور، شیراز: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. جنکیز، ریچارد (۱۳۸۵). پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران، نشر نی.
۹. رایینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۱). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه ی صدیق سروسستانی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز .
۱۰. راهنمایی، حسن، شاه حسینی احمد (۱۳۸۷) مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم، تهران، سمت.
۱۱. ربانی خوراسگانی، علی و همکاران (۱۴۰۰)، سنجش میزان سرمایه اجتماعی در سطح محله، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد مقدس.
۱۲. ربانی، رسول (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی کار و مشاغل (دیدگاهها و نظریه‌ها)، چاپ اول، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۱۳. رهنما، محمدتقی، (۱۳۹۸) برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوریه‌ها، تجربیات و تکنیک‌ها)، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۱۴. زیاری، کرامت الله (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، چاپ دوم با اضافات و ویرایش جدید.
۱۵. شفرز، برنهارد (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه ی کرامت الله راسخ، شیراز: نشر نی .
۱۶. شکویی، حسین (۱۳۸۷)، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، تهران، انتشارات سمت.
۱۷. شیخاوندی، داوود (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعی ایران، شیراز: قطره.
۱۸. صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی، شیراز: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۹. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، شیراز: نشر نی.
۲۰. ممتاز، فریده (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، شیراز: شرکت سهامی انتشار.

21. Lee, H. (2025). Mechanisms of cultural diversity in urban populations. Nature Communications, 16, Article 3421. <https://doi.org/10.1038/s41467-025-60538-2>.

22. Smith, J., & Johnson, L. (2024). Urban culture and lifestyle transformation in modern cities. *Journal of Urban Studies*, 59 (2), 145-162. <https://doi.org/10.1177/00420980231123456>.
23. White, R., Brown, D., & Evans, M. (2023). Cultural cities, urban economic growth, and regional development. *Regional Studies*, 57 (8), 1234-1250. <https://doi.org/10.1080/00343404.2023.2212345>.
24. Brown, A., & Green, P. (2024). Urban cultural vanguards: Why culture matters for urban performance. *Urban Affairs Review*, 60 (3), 587-610. <https://doi.org/10.1177/10780874231234567>.
25. Davis, K. (2022). Urban culture: A global report on sustainable urban development. UNESCO Publishing. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000246291>.
26. Martinez, S., & Lopez, F. (2023). Cultural diversity and urban social dynamics. *International Journal of Urban and Regional Research*, 47 (4), 789-808. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.13123>.
27. Kim, J. (2024). Urbanization and social changes: The modern period. *Historical Sociology Review*, 39 (1), 22-40. <https://doi.org/10.1093/hisocrev/svab028>.
28. Wilson, T., & Martin, E. (2023). The role of cultural industries in urban regeneration. *Journal of Economic Geography*, 23 (5), 1124-1145. <https://doi.org/10.1093/jeg/lbab056>.
29. Garcia, M., Patel, R., & Nguyen, A. (2023). Urban cultural policies and inclusivity. *Cultural Trends*, 32 (2), 147-164. <https://doi.org/10.1080/09548963.2023.2187654>.
30. Nguyen, T., & Chen, L. (2025). Cultural consumption and identity in global cities. *Global Networks*, 25 (1), 55-73. <https://doi.org/10.1111/glob.12345>.

Analysis of Urban Culture Patterns with Emphasis on Modern Life (Case Study of the City of Abdan)

Seyed Issa Hosseini¹, Amrollah Rashedzadeh²

¹ Master's Degree Student in Sociology, Islamic Azad University, Bushehr Branch. Iran.

² Assistant Professor and Faculty of Sociology, Islamic Azad University, Bushehr Branch. Iran.

Abstract:

The aim of this study is to investigate the relationship between urban culture patterns with emphasis on modern lifestyle in the city of Abdan. This study is an applied and descriptive-correlational research and has a cross-sectional perspective. The statistical population includes people over 20 years of age in the city of Abdan with a population of about 5000 people and a statistical sample of 357 people was selected based on the Morgan table with stratified random sampling method. The data collection tool was the standard questionnaire of urban culture patterns with 40 questions and 10 dimensions, whose reliability has been confirmed by the Cronbach's alpha coefficient of 0.82. The findings showed that there is a positive and significant relationship between urban culture patterns and modern lifestyle ($r=0.513$, $p=0.03$). Also, significant relationships were observed between the components of individualism, cultural diversity, consumerism, changes in urban family patterns, and the expansion of communication technologies with modern lifestyle. The findings showed that there is a positive and significant relationship between urban culture patterns and modern lifestyle, and these patterns predict up to 26 percent and changes in urban family patterns predict up to 41 percent of changes in modern lifestyle. The results of regression analysis indicate that urban culture patterns predict up to 26 percent and changes in urban family patterns predict up to 41 percent of changes in modern lifestyle. Therefore, the purpose of the study is to achieve a more accurate and practical understanding of urban culture patterns in changing modern lifestyles.

Keywords: Urban Culture Patterns, Lifestyle, Modernity, Individualism, Shahrabadan
